



رہبر انقلاب اسلامی صبح دیروز در دیدار هزاران نفر از مردم استان آذربایجان شرقی با اشاره به ضرورت شرکت در انتخابات ۱۱ اسفند تأکید کردند

# انتخابات راه اصلاح کشور



## تیترهای امروز

کتابه جالب سخنگوی شورای نگهبان به کاندیداهای رد صلاحیت شده و معترض

## می‌دانند چه کرده‌اند

طحان نظیف: در جلسات حضوری دلایل رد صلاحیت را گفتیم و آنها هم پذیرفتند  
برای تعریف پروژهای بزرگ اقتصادی نیاز به تأمین پایدار سوخت و انرژی است؛ ظرفیتی که درباره آن تردید وجود دارد

## ناترازی

### ترمز توسعه

عمران خان از مردم خواست از دولت ائتلافی برآمده از انتخابات فعلی حمایت نکنند

## بازی تاج و تخت در پاکستان

رژیم صهیونیستی با هدف قرار دادن مراکز درمانی در غزه به دنبال نسل کشی غیر مستقیم است

## شیطان علیه

### بیمارستان‌ها

دبیر شورای عالی فضای مجازی: دسترسی به سکوهای پر کاربرد خارجی امکانپذیر می‌شود

## پوسته رفع فیلتر

گزارش «وطن امروز» از ورود بلاکچین به صنایع فرهنگی

## نگاه

### عبور از باتولوژی اصلاحات

**نوید مؤمن:** از زمان شکل‌گیری جبهه موسوم به ۲ خرداد، تلفیق و تجمیع مولفه‌های پوپولیستی - سکولاریستی در آن هویدا شد. تئورسین‌های ارشد جریان اصلاحات تلاش کردند واژگانی مانند «آزادی سیاسی»، «سوی جنسیتی»، «ضاد اسلام و مدرنیسم» و «دموکراسی» را تبدیل به متغیر مستقل و نظام کننده؛ به این معنا که تاریخ مصرف گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان یک مینسا و مصدر فکری - عملیاتی به پایان رسیده و اکنون زمان آن رسیده که انقلاب، ادغام در الگوهای رفتاری غرب را در تار و پود خود بپذیرد. تحرکاتی که در مجلس ششم و در جریان تدوین لوایح دولتی انجام شد، ناظر بر همین رویکرد بود.

بخشی از افرادی که «هسته رادیکال اصلاح‌طلبان» نامیده می‌شوند، در خارج از کشور رسماً به جریان ضدانقلاب پیوسته و البته لحظه‌ای از خط‌دهی به جریان اصلاح‌طلب برنادر داخل کشور نیز غافل نیستند. قلم افرادی مانند رجب مزروعی، قاسم شله‌سعدی، مجتبی واحدی، فاطمه حقیقت‌جو، مهرانگیز کار و... در بسیاری از بیانیه‌هایی که امروز به نام «حزب اتحاد ملت» و به کام «ضد انقلاب» منتشر می‌شود قابل احصا و ردگیری است. در چنین شرایطی اساساً تلاش داخلی از جریان ضد انقلاب، بیشتر به نوعی طنز می‌ماند. تجربه سال‌های سپری شده از ۲ خرداد ۱۳۷۶ تاکنون به وضوح نشان می‌دهد جریان تندرو اصلاحات، همان ضد انقلاب بالفعل (و حتی نه بالقوه) هستند که در بسترها و بزنگاه‌های لازم تقابل مطلق خود را با اصول و تولید منظومه گفتمانی انقلاب اسلامی نشان می‌دهند.

نگارش نامه اخیر ۱۱۰ نفر از اصلاح‌طلبان میانه‌رو و تأکید آنها بر مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، نقطه آشکار ساز دگردیسی در شبکه «حامی/پیرو» اصلاحات است. این شبکه‌سازی بین سال‌های ۷۶ تا ۸۴ با محوریت حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی انجام شد. سازمان مجاهدین انقلاب معتقد بود اعضای اصلی آنها را می‌توان در یک «فولکس واگن» جای داد اما همین افراد پدرخوانده جریان اصلاحات محسوب می‌شوند. هسته سخت اصلاحات تبدیل به «جریان حامی» و جوانان کم‌سن و سالی که مسجور تکه کلام‌های «جامعه مدنی» و «جامعه باز» شده بودند، تبدیل به جریان «پیرو» شدند. افرادی مانند محسن سازگارا قبل از آنکه به دامان صاحبان اصلی خود در آن سوی مرزها پناه ببرند، مسؤولیت تثبیت و تقویت ارتباط میان بخش «تابع» و «متغیر» جریان اصلاحات را عهده‌دار بودند.

ادامه در صفحه ۶

مردم مالک کشور و نظام هستند و با انتخاب مستقیم یا غیر مستقیم مسؤولان اصلی کشور، جهت حرکت مملکت را تعیین می‌کنند

رژیم صهیونیستی با هدف قرار دادن مراکز درمانی در غزه به دنبال نسل کشی غیر مستقیم است

## شیطان علیه بیمارستان‌ها

در گزارش‌های متعدد از جمله از سوی سازمان بین‌المللی پزشکان بدون مرز به گلوله‌باران مجتمع پزشکی ناصر اشاره شده که باعث کشته و زخمی شدن تعداد نامشخصی از پرسنل و بیماران شده است.

همچنین سازمان بهداشت جهانی و پزشکان بدون مرز از بازداشت پرسنل خود در حال امداد رسانی توسط نیروهای اشغالگر در جریان این عملیات غیرانسانی خبر داده‌اند. دفتر حقوق بشر سازمان ملل در بیانیه خود در تقییح این حمله آن را بخشی از الگوی حملات نیروهای اسرائیلی برای هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی غیرنظامی در غزه، بویژه بیمارستان‌ها برمی‌شمارد.

در این بیانیه آمده است: «بر اساس گزارش‌ها، نزدیک ۷۰ هزار نفر در جریان حملات هفته‌های اخیر مجروح شده و سیستم بهداشتی تاریکه تقریباً فروپاشیده که به دلیل تداوم حملات به تأسیسات و محدودیت‌های موجود در تجهیزات ضروری بشردوستانه، تأثیر آن بر حیات غیرنظامیان وحشتناک است.»

**جنگ بیولوژیک تدریجی**  
در توصیف رفتار دژخیمانه سربازان صهیونیست با بیماران مرکز پزشکی ناصر نیز آمده که آنان از جمله به افرادی که در بخش مراقبت‌های ویژه و مهد کودک بودند، دستور دادند به ساختمان دیگری بروند و بیماران را در معرض خطرات جدی از جمله خطر مرگ برای آسیب‌پذیرترین افراد قرار دادند.

در چنین شرایطی مرگ بیماران بستری به خاطر فقدان کپسول‌های اکسیژن، رایج‌ترین اتفاقی است که در این مرکز درمانی در حال رخ دادن است. بر اساس گزارش تحقیقی که آنی اسپارو و کنت راث مشترکاً برای نشریه آمریکایی

با رد درخواست دولت آفریقای جنوبی از دیوان بین‌المللی دادگستری برای دخالت سریع به منظور متوقف ساختن دور جدید عملیات اسرائیلی‌ها، حالا چشم‌انداز فلسطینیان محاصره‌شده در این نقطه بسیار تیره و تار به نظر می‌رسد. حتی پیش از این حملات نیز مارتین گریفیتس، رئیس بخش امداد رسانی سازمان ملل اواسط هفته گذشته هشدار داده بود عملیات نظامی در رفح زنگ خطر یک کشتار جمعی را به صدا درآورده و بیش از یک میلیون نفر که در مرزهای جنوبی فلسطین با مصر جمع شده‌اند، به مرگ خیره شده‌اند. حملات طبق هشدار گروه حقوق بشری الحق، حملات جدید اسرائیل به رفح، به کشتار هزاران غیرنظامی فلسطینی در مقیاسی منجر خواهد شد که در ۵ ماه اخیر در سراسر غزه بی‌سابقه بوده است. این در حالی است که آمارهای رسمی حکایت از قتل عام نزدیک به ۳۰ هزار فلسطینی اکثراً شامل کودکان و زنان تا دیروز دارد.

**هدف از حذف بیمارستان‌ها**  
به گزارش تازنمای الکترونیکی انتفاضه، اسرائیل با حمله به بیمارستان‌ها که یکی از ویژگی‌های کلیدی عملیات نظامی اش علیه فلسطینیان بوده، یک نوع رویکرد شیطانی محاسبه‌شده برای نابودی فیزیکی شرایط زندگی آنها را به ویژه در بن‌بست جنوب غزه در پیش گرفته است.

دژخیمان اسرائیلی در حمله پنجشنبه گذشته پس از کار انداختن یک هفته‌ای تجهیزات مرکز درمانی ناصر - که توسط رئیس سازمان بهداشت جهانی به عنوان ستون فقرات سیستم بهداشتی جنوب غزه توصیف می‌شود - بدان یورش بردند.

**گزارش**  
رژیم صهیونیستی واری همه وحشی‌گری‌هایش علیه فلسطینی‌ها، در حملات اخیر به رفح در جنوب باریکه غزه، کماکان بر رویکرد ضدبشری «جنگ علیه بیمارستان‌ها» اصرار دارد. بیمارستان‌ها و مراکز درمانی از ۵ ماه پیش با آغاز جنگ غزه، با وجود موج محکومیت‌های گسترده جهانی، به طور مستمر توسط رژیم کودک‌کش هدف قرار گرفته و ویران شده‌اند، به طوری که حتی می‌توان گفت آنها واری اهداف نظامی و سیاسی، هدف اصلی ارتش جنایتکار رژیم صهیونیستی بوده‌اند. با تشدید حملات ویرانگر رژیم اشغالگر به مناطق جنوب نوار غزه در روزهای اخیر، باز هم شاهدیم بیمارستان‌ها هدف اصلی هستند.

تشدید محاصره آخرین مجتمع درمانی مهم برجاسمانده در کل غزه و معدود مراکز درمانی کوچک‌تر باقیمانده و حمله خونین به آنان نشانه آشکار یک جنگ نظام‌مند از سوی اسرائیل علیه بیمارستان‌هاست که آخرین پناهگاه اکثریت جمعیت آواره در این منطقه جنگ‌زده ۲.۳ میلیون نفری محسوب می‌شود. الگوی از مرکز درمانی اشغالگر قدس برای پاکسازی قومی مردم غزه را بر ملا می‌کند.

در یورش وحشیانه پنجشنبه گذشته نظامیان صهیونیست به مجتمع پزشکی ناصر در قلب خان‌یونس، نهنه ۱۰۰ فلسطینی شامل ده‌ها نفر از پرسنل و کادر درمان و حتی بیماران بستری توسط دژخیمان اسرائیلی بازداشت شدند، بلکه این حمله با قتل چند فلسطینی در مبادی ورودی بیمارستان و آسیب به تانسیات بخش‌هایی از مرکز درمانی همراه بود، همچنین در چند مورد آمبولانس‌های عبوری حامل بیمار و حتی بیماران در حال خروج از مراکز درمانی، هدف راکت‌ها و تیراندازهای ارتش منحوس عبری قرار گرفتند.

فازن پالیسی نگاشته‌اند، حملات مستمر رژیم صهیونیستی، نوعی جنگ بیولوژیک مزمن علیه مردم غزه است. آنها نوشته‌اند: «ترکیبی از جابه‌جایی‌های اجباری، شرایط غیربهداشتی ناشی از قطع شدن سرویس‌های بهداشتی و تصفیه فاضلاب و قطع شدن واکسیناسیون به طور اجتناب‌ناپذیری باعث شیوع بیماری می‌شود که از نظر عملکردی به شکلی از جنگ بیولوژیک غیرمستقیم منجر می‌شود.»

**قتل عام غیرمستقیم مردم غزه**  
پل لارودی، تحلیلگر گلوبال ریسرچ و مدیر فعلی سازمان غیرانتفاعی حقوق بشر و کمک‌های بشردوستانه که در رابطه با غزه فعالیت می‌کند، این توصیف جنگ راهبردی اسرائیل علیه بیمارستان‌های غزه می‌نویسد: «بقیه بیمارستان‌های غزه به جز مرکز پزشکی ناصر، به همراه بسیاری از بیماران و کادر پزشکی‌شان نابود شده‌اند. بسیاری از آنها سلاخی شده‌اند در حالی که افراد بی‌پناه را شده‌اند تا بمیرند، مانند نوزادان نارس در انکوباتورها!»

پزشکان و سایر پرسنل برای مدت نامعلومی اسیر شده‌اند. حتی بیمارستان ناصر که توسط سربازان اسرائیلی تصرف شده و تمام بیماران و کادر پزشکی آن اخراج شده‌اند، دیگر کار نمی‌کند. وجود آن به عنوان یک ساختار صرفاً فنی است. این دیگر بیمارستان نیست و نخستین بیمارستانی نیست که زیر انبوهی از آوار منفجر می‌شود. این حملات تصادفی نیست، همچنین حملاتی که علیه نانوائی‌ها، مدارس و زیرساخت‌ها از جمله آب، فاضلاب و برق صورت می‌گیرد. اگرچه بیش از نیمی از ساختمان‌های غزه اکنون آوار شده یا غیرقابل استفاده هستند اما نسبت بیمارستان‌ها بسیار بیشتر است. چرا؟

او در توضیح این رویکرد شیطانی می‌نویسد: «بنیامین نتانیاهو، رئیس کابینه رژیم صهیونیستی با

اینکه مدعی نابودی حماس است اما بخوبی می‌داند حماس از بیمارستان‌ها و دیگر مکان‌هایی که توسط ارتش اشغالگر با مهمات تمام‌نشدنی آمریکایی ویران می‌شود، استفاده نمی‌کند. او حتی به خود زحمت نمی‌دهد تا از حماس به عنوان بهانه استفاده کند تا بلکه برخی، ادعاهای او را باور کنند. اگر او می‌خواست حماس را بزند، پس چرا ۱۰ هزار تن بمبی که تاکنون بر غزه ریخته شده به مراکز مخفی حماس یا شبکه توزیع آب و برق نمی‌رساند است.»

به زعم دکتر لارودی، رژیم صهیونیستی از اینکه مسؤول مستقیم تلفات فلسطینیان قلمداد شود وحشت دارد چون نه تنها مقبولیت کابینه نتانیاهو را در میان خود اسرائیلی‌ها به چالش می‌کشد، بلکه هزینه زیادی برای حامیان غربی او در افکار عمومی جهان نیز دارد. در عوض نتانیاهو با نابودی زیرساخت‌هایی که به مداوای مجروحان و بیماران و پناه دادن به آوارگان اختصاص دارد، یعنی بیمارستان‌ها کل جمعیت غزه را که دوسوم‌شان کودکان و زنان هستند، به طور غیرمستقیم هدف قرار داده است.

ادامه در صفحه ۶